



حکومت هخامنشیان

## سنگ تراشی ها و نقوش های تخت جمشید

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۱ / ۱۳ دقیقه مطالعه



### چکیده مقاله

سنگ تراشی ها و نقوش های تخت جمشید نقوش برجسته‌ای که کاخ‌های تخت‌جمشید را آراسته است از با اهمیت‌ترین آثار باستانی به شمار می‌آید، که تا زمان حال برجای مانده است، کیفیت و کمیت این آثار چنان است که بررسی‌های گسترده‌ای را بر روی آنها لازم می‌سازد، لیکن تا این تاریخ هیچ‌گونه تحلیل سبک‌شناسی معتبری که چاپ و منتشر شده باشد بر روی آنها انجام نگرفته است. بررسی حاضر تلاش دارد با توجه به جنبه‌های متفاوت سبک‌ها و روش‌ها، از شیوه‌های بکار رفته در حکاکی تا اصول طراحی، از شناسایی کار حجاران، تا توصیف پیشرفت تس



سنگ تراشی ها و نقوش های تخت جمشید

نقوش برجسته‌ای که **کاخ‌های تخت‌جمشید** را آراسته است از با اهمیت‌ترین آثار باستانی به شمار می‌آید، که تا زمان حال برجای مانده است، کیفیت و کمیت این آثار چنان است که بررسی‌های گسترده‌ای را بر روی آنها لازم می‌سازد، لیکن تا این تاریخ هیچگونه تحلیل سبک‌شناسی معتبری که چاپ و منتشر شده باشد بر روی آنها انجام نگرفته است. بررسی حاضر تلاش دارد با توجه به جنبه‌های متفاوت سبک‌ها و روش‌ها، از شیوه‌های بکار رفته در حکاکی تا اصول طراحی، از شناسایی کار حجاران، تا توصیف پیشرفت تسلسل زمانی سبک «تخت‌جمشید» شکاف موجود را پر کند.

پیکره‌شناسی و انواع مختلف نفوذ عوامل خارجی که موضوع بررسی‌های بسیار بوده است، مورد بحث قرار نخواهد گرفت.

دارویش اول (۴۸۶-۵۵۲ ق م) موجد طراحی کاخ‌های اصلی تخت‌جمشید و آرامگاه خود و نقش‌رستم بوده است. کار ساختمانی در طول سلطنت پسر او خشایار اول (۴۶۵-۴۸۶ ق م) و نوه‌اش اردشیر اول (۴۲۵-۴۶۵ ق م) ادامه یافت، لیکن صرفنظر از بعضی تغییرات و تجدید ساختمانها در دوران اردشیر سوم (۳۳۸-۳۵۹ ق م) سایر پادشاهان هخامنشی با آنکه آرامگاه‌های خود را در نقش‌رستم و مشرف بر صفه تخت‌جمشید بنا کردند، بر روی صفه هیچ ساختمانی نساختند، کاخ‌ها و شهر تخت‌جمشید در ۳۳۰ ق م بدست اسکندر تخریب شد، و از آن زمان تا شروع حفاریهای قرن اخیر وضعیت آنها تقریباً بدون تغییر باقی ماند.

منطقه کاخ تخت‌جمشید به سه بخش تقسیم شده است: سطح صفه (تخت‌جمشید) که ساختمانهای اصلی روی آن قرار گرفته‌اند، ساختمانهای واقع در دشت به طرف جنوب و غرب صفه و سرانجام سراسیمبی تپه بلند به طرف شرق صفه، در حدود دوازده ساختمان بر روی صفه ساخته شده بود و بیشتر آنها به وسیله نقوش برجسته آرایش شده بودند، نقوشی که روی سردرها، پلکان‌ها و چهارچوب درها و پنجره‌ها کنده شده بودند. زمینه اصلی این نقوش

نشانگر تجلیل پادشاهان ایرانی است که در صحنه‌ها شاخص است. حال شاه چه در حال قدم زدن و عبور از درهای کاخ خویشتن و چه جلوس کرده بر تخت و در حال پذیرش هدایا از مردم تحت فرمان خویش است.

سالم‌ترین نقوش برجسته آنهایی هستند که در جبهه شرقی آپادانا و بر روی پلکان‌های ساختمان مرکزی قرار گرفته‌اند، هر دو قسمت زیر آوار دیوارهای خشتی فرو ریخته محفوظ مانده‌اند. نقوش برجسته آپادانا عموماً شاه را نشسته بر تخت نشان می‌دهند، در حالی که در جلوی او بیست و سه هیأت از مردم تحت حکومت مشغول تقدیم هدایای ارزشمند و فوق‌العاده هستند، و در پشت سر شاه ردیف‌های نگهبانان، اسبان، ارابه‌ها، و بزرگان دربار مستقر شده‌اند. بر روی پلکان‌ها و کنار دست‌اندازها تعداد زیادی سرباز پارسی صف کشیده‌اند. در جمع، بیش از ۸۰۰ نقش بر روی جبهه شرقی آپادانا کنده شده است. همین صحنه، که به صورت معکوس تراشیده شده است، بر روی جبهه شمالی به چشم می‌خورد، لیکن از آنجا که این جبهه در طول قرون در معرض عوارض جوی قرار داشته، به صورت بدی فرسوده شده است. روی سر در پلکان‌های شمالی ساختمان مرکزی نگهبانان در اندازه معمولی قد انسان دیده می‌شوند، و در همین حال اشراف درباری در لباسهای پارسی یا مادی در حال بالا رفتن از پله‌ها هستند، و در آن دست‌اندازها صفوف سربازان پارسی مستقر شده‌اند. در اینجا در حدود ۴۰۰ نقش برجسته وجود دارد. در بخش بیرونی پلکانهای جنوبی همان ساختمان کمانداران پارسی، و در بخش درونی، مستخدمین در پوشش پارسی و مادی مشاهده می‌شوند، پلکانهای کاخهای خشایارشا، داریوش، و اردشیر سوم نیز با نقوش برجسته سربازان پارسی و مستخدمین آرایش شده است، درحالی که پلکانهای غربی کاخ داریوش و کاخ اردشیر اول با نقوش هیأت‌های ملل تابعه و مستخدمین آرایش یافته است. به هر حال، این نقش برجسته‌ها در اثر عوارض انسانی و جوی آسیب دیده است.

بر روی چهار چوب درهای کاخ داریوش، کاخ خشایارشا، حرم و ساختمان مرکزی شاه در زیر سایبانی دیده می‌شود که مستخدمین درباری او را همراهی می‌کنند. بر روی دیگر آستانه‌های درها یک قهرمان شاهی با نوعی حیوان وحشی افسانه‌ای درحال جنگ تن به تن است، ویا شاه بر تخت خویش جلوس کرده و تخت بر روی سکویی است که مردم امپراتوری به جای مردم این کار را به عهده دارند.

نقوش اگر چه بسیارند لیکن به طرز خارق‌العاده‌ای همسان می‌باشند. پیکره‌های منفرد، نه یک بار و دوبار، بلکه در حالی که سربازان روی پلکانها و کنار نرده‌ها صف کشیده‌اند چندین صدمبار با حالتی یکسان تکرار می‌شوند. گوناگونی صحنه کم است، و بسیاری از آنها با شیوه‌های یکسان تکرار می‌شوند طرح چهره یکسانی برای پارسیان، مادها و بیشتر بیگانگان نشان داده شده است. پارس‌ها بلا استثناء جامه‌های بلند (ردا) چیندار پوشیده‌اند، و این جامه‌ها درچند نقش محدود گوناگون نشان داده می‌شود، درصورتی که مادها همگی ملتبس به لباسهای بدون آستینی هستند که بلندای آن تا روی زانوانشان می‌رسد. این همسانی ما ظاهراً کار حکاکی نقوش را بسیار ساده‌تر و مکانیکی‌تر می‌سازد، و مقدار شکل‌های مختلف و حالات استفاده شده در تخت جمشید درمقایسه با تعداد کل نقوش ناچیز است.

بیش از ۳۰۰۰ نقش بر روی ساختمان‌ها و مقبره‌های تخت جمشید ایجاد شده است. در سایر بناهای هخامنشی نقوش کمی وجود دارد. ۳۲ نقش در پاسارگاد، ۱۴ نقش در بیستون، ۸ نقش در کانال ستون سنگی مصر که به

وسیله داریوش اول ساخته شده، و تعداد کمی درشوش، بابل و تل حکوان. حتی اگر این امکان در نظر گرفته شود که تعداد بیشتری از این نقوش از بین رفته باشند، نمی‌توان تصور کرد که قبل از ساختن تخت جمشید صنعت پیکرتراشی و حجاری قابل ملاحظه‌ای در پارس وجود داشته است.

نقوش برجسته تخت‌جمشید از قرن هفدهم در اروپا شناخته شده است. در دهه ۱۹۳۰ هیأت آمریکایی، ابتدا تحت سرپرستی ارنست هرتسفلد و سپس اریک اشمیت، حجاری‌های بسیاری را که عبارت بودند از جبهه شرق آپادانا، دو پلکان ساختمان مرکزی، و روی اورتواستات که به خزانه انتقال یافت، کشف کرد. این اکتشافات تعداد نقوش برجسته شناخته شده در تخت‌جمشید را به دو برابر افزایش داد و از آنجا که آنها در شرایط تقریباً کاملی هستند، بایستی مبنای هر نوع بررسی برای شناخت سبک نقوش برجسته تخت‌جمشید قرار گیرند. نتایج حاصله از حفاری‌های هیأت آمریکایی در سه جلد کتاب بسیار جالب انتشار یافت، کتابهایی که شامل موارد گسترده از کلیه بناهای واقع به روی صفه می‌باشند. لیکن علی‌رغم خارق‌العاده بودن کتاب تخت‌جمشید اشمیت از کلیه جوانب، پیداست که وقتی به توضیح دادن نقوش برجسته می‌پردازد، فقط از روی عکس‌ها به بررسی پرداخته است. این بدان معنی است که او بعضی موارد اصولی را نادیده گرفته است، مثل نشانه‌های مربوط به حجاران، و در اینجاست که استنادهای او ناکافی است. در این اواخر تلاش‌های بسیاری به وسیله آقا و خانم تیلیا انجام گرفته است. این مطالعات بر اساس کار دقیق بازسازی در تخت‌جمشید بوده است، کار بازسازی از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹ به مسئولیت آنان ادامه داشته است.

#### ابزارها:

سنگ تراشی زمان هخامنشی به تفصیل به وسیله آن بریت تیلیا و کارل نایلندر مورد بررسی قرار گرفته است. در اینجا من فقط کار بر روی نقوش برجسته را مورد بحث قرار می‌دهم. روش‌های حکاکی را می‌توان به بهترین وجه بر روی بخش‌های ناتمام نقوش برجسته مشاهده کرد، و تقریباً هر مرحله از کار می‌تواند در جایی در تخت جمشید مورد شناسایی قرار گیرد. در بعضی از موارد می‌توانیم از روی علائم به جا گذاشته شده روی سنگ تعیین کنیم چه ابزاری و به چه ترتیبی در آن به کار رفته است. ابزارهای آهنی، چه کلنگ و چکش (با دسته افقی) یا قلم سر تیز و اسکنه (که با پتک چوبی به آن ضربه می‌زنند) مورد استفاده قرار می‌گرفت.

هریک از این دو گروه را می‌توان به ابزارهای سرتیز، لبه دار و نوع دنداندار از هر اندازه و وزنی تقسیم کرد. کلنگ سنگین برای سنگتراشی و شکل دادن ابتدایی با توجه به اینکه تکه سنگی که بایستی برداشته شود به چه اندازه است با ضربه عمودی و با ضربه سریع و لب شکن مورد استفاده قرار می‌گرفت. مرحله بعدی احتمالاً استفاده از قلم های تخت و پتک چوبی بوده است. برای تهیه یک سطح صاف معمولاً از چکش لبه دار و بطور عمومی‌تر و شاید با گذشت زمان، از چکش دنداندار استفاده می‌شده است. پس از آن بطور پی در پی چکش‌های ظریف‌تر همراه با استفاده از قلم‌های لبه‌دار به کار می‌رفته است. در جزئیات از قلم‌ها و اسکنه‌های لبه‌دار تخت و باریک استفاده می‌شده است. آخرین مرحله صاف کردن سطوح بوسیله مواد ساینده از درجات مختلف و آب بوده، و سرانجام برای زدودن خراش‌های باقیمانده، از عمل سایش با مالیدن سنگ با همان درجه سختی یا سرب یا چرمی که احتمالاً پوست کوسه بوده استفاده می‌شده پس از آن نقوش برجسته رنگ می‌شدند.

در این مختصر ابزارها و طرز کاربرد آنها به طور خلاصه بیان شده است، لیکن در اینجا باید به نکته‌ای اشاره کنم، در هر مرحله حجار یا بنا می‌توانست از انواع مختلف ابزارها سود ببرد: بسته به آموزش و استنباط شخص خود و هم چنین اهمیت کاری که انجام می‌داد از قلم با کلنگ، ابزار لبه‌دار یا دنداندار استفاده می‌کرد، علاوه بر این تشخیص علامت بجا گذاشته شده بوسیله یک کلنگ با آنچه که یک قلم بجا می‌گذارد، و تفاوت بین اثر چکش لبه‌دار از قلم درز صاف، با چکش دنداندار از اسکنه دنداندار مشکل است.

هیچ گواهی برای کاربرد مغارهای گرد یا مغار، اره، سوهان تخت یا سوهان وجود ندارد. حفره‌های کوچک برای متصل کردن تزئینات فلزی و مجاری ریختن سرب مذاب بوسیله مته ساخته می‌شدند، احتمالاً مته‌های کمانی با استفاده از سرمته کوتاه و ساییده لیکن از تکنیک ((مته چرخان)) که در صنعت پیکره‌سازی یونان رواج کامل داشت استفاده‌ای به عمل نیامده است. از خراطی در معماری سنگ استفاده نشده است، لیکن در کار چوب، فلزکاری و برای صنعت ساخت ظروف سنگی و مهرهای استوانه‌ای از آن استفاده شده است.

نشانه‌ای از سایر ابزارهایی که بوسیله حجاران و بنایان مورد استفاده قرار گرفته است باقی نمانده. یکی از این ابزارها همان گونیای بنایان است که مشتمل بر یک لبه صاف، یک گوشه قائمه، یک تراز و یک شاقول است. گونیا و تراز می‌توانند از هم جدا باشند، و شاید به همین دلیل است که بعضی از بنایان نشانه مشخصه خود را برای تراز A و برای گونیا .... انتخاب می‌کنند. علاوه بر اینها، اندازه‌گیرهای نخی، خطکش‌های چوبی، پرگار تقسیم برای کشیدن دایره، ریسمان، و رنگ مورد استفاده قرار گرفته است. احتمال دارد که به منظور واریسی و بازدید قالب‌ها و شاید برای تراشیدن نقوش برجسته از شابلونهای چوبی پیش ساخته استفاده می‌شده است.

#### نقاشی و ترصیع

وقتی هرتسفلد نقوش برجسته آپادانا و ساختمان مرکزی را از زیر خاک بیرون آورد اثرات بسیاری را از رنگهایی که به آنها چسبیده بود یافت، لکن متأسفانه جزئیات زیادی از آن را ثبت نکرد. امروزه آثاری از آن رنگها هنوز باقیمانده است، به ویژه روی نقوش برجسته‌های تالار صدستون، جایی که نقش اهورمزدا و سکوبهای نشیمنگاه مربوط به تخت سلطنتی رنگ اصلی خود را حفظ کرده‌اند. در محل‌های دیگر رنگ قرمز بر روی بعضی از لب‌ها، پره‌های بینی و چشمان نگهبانان پارسی در ایوان سر پوشیده ساختمان مرکزی، در دهان و پره‌های بینی نقوش سرستون‌ها، در پره‌های بینی قهرمانان در نقوش برجسته آپادانا و روی نقش شاه روی درهای ساختمان مرکزی وجود دارد. عناصر مختلفی درسایه یکنواخت از قرمز، سبز، آبی و احتمالاً زرد رنگ شده‌اند، رنگهای دیگر، مثل سیاه، ساخته شده از دوده، ممکن است به مصرف رسیده باشد ولی اثری از آن باقی نمانده است. برای کمک به نقاش در کار رنگ زدن گاهی اوقات انگاره‌هایی روی سطح سنگ بوسیله خراشیدن به وجود می‌آورده‌اند. شیرها، علائم روی بازو و طرحهای گل و بوته ای دیده شده‌اند که روی لباس‌ها در کاخ داریوش، کاخ خشایارشا، ساختمان مرکزی و اندرونی وجود داشته است، با اجرای این روش، شاه، تنها نقشی است که با البسه طرح دار از نظر شکوه و جلال و رنگ آمیزی روشن و واضح و ابعاد و اندازه خود از دیگران تمیز داده می‌شود.

در طول باقیمانده این مقوله خواننده بایستی به خاطر داشته باشد که بسیاری از جزئیاتی که در حال حاضر آشکار شده‌اند در زیر رنگ محو گشته بودند. به ویژه بخش‌های کامل نشده نیز همه رنگ شده بودند. مفهوم نیست که

نقش‌ها تا چه حدودی رنگ شده‌اند برای مثال، ما نمی‌دانیم آیا پوست پیکره‌ها رنگ آمیزی شده بوده است یا نه و یا چه رنگی برای رنگ آمیزی لباس سربازان به کار رفته است. این که گفته شده است که سطح سنگ‌ها از روی قصد به صورت ناهموار گذاشته شده تا رنگ را بهتر به خود بگیرد حقیقت ندارد، و در واقع به طور طبیعی این بخش‌های صاف‌تر بوده‌اند که رنگ روی آنها حفظ شده است.

بعضی از حجاری‌های برجسته و سرستون‌ها با سنگهای رنگی یا فلز ترصیع شده‌اند و یا با برگه و ورقه طلایی تزئین گشته‌اند. بر روی پیکره شاه در کاخ داریوش، کاخ خشایارشا و ساختمان مرکزی تاج و بعضی از جواهرها در سنگ‌کار گذاشته است، تصور بر آن است که گردن بندها، الگوها و تاج‌ها از فلزات و سنگهای گرانبها ساخته شده است. بعضی اوقات ریش‌ها نیز، شاید با سنگ آبی مصری حجاری شده‌اند. در کاخ P در پاسارگاد سوراخهایی می‌توان در روی کفش یا لباس پادشاه مشاهده کرد که برای کار گذاشتن تزئینات بوده است.

### مدت زمان ایجاد نقوش

تخمین مدت زمانی که برای حکاکی یک نقش تنها صرف شده است مشکل است. مدت این زمان به عوامل بسیاری بستگی دارد، مهارت و تجربه هنرمند، کیفیت نظارت، تقسیم کار بین حجاران، و همچنین نوع حجاری برجسته و مشخصات سنگ. با نگرش به این عدم اطمینان‌ها، ممکن است حتی پیشنهاد کردن مدت زمان تخمینی ناهنجار به نظر برسد، لیکن موضوع آنقدر جالب است که هر تخمینی هر قدر هم تقریبی باشد ارزش توجه کردن دارد.

به طوری که از بررسی نقش‌های سپردار روی بالکن آپادانا مشخص شده است، چون بخشهای مختلف نقش‌ها احتمالاً به وسیله حجاران متفاوت حکاکی شده است، حداقل زمان لازم برای تکمیل نقش، مدتی بوده است که جزئیات سر نقش حکاکی شده‌اند. اگر کسی این زمان را بداند و تعداد حجارانی را که متخصص حکاکی سر پیکره بوده‌اند نیز در دست داشته باشد، می‌توان زمان حکاکی یک نمای کلی را محاسبه کند. به عنوان یک تخمین تقریبی، بین سه تا شش روز صرف می‌شده است تا سر یکی از کوچکترین نقش‌ها حک شود و حداقل دو برابر این زمان برای حکاکی سر یکی از بزرگترین پیکره‌ها صرف می‌شده است. سه استاد بنای سنگ کار سه ماه برای تکمیل کردن یک ته ستون آپادانا پس از آن تکه سنگ بریده شده و به محل حمل می‌شد وقت صرف می‌کرده‌اند. با توجه به این ارقام، تخمین حاصله در بالا ممکن است خیلی اندک باشد. در فصل چهارم خواهیم دید که دو تیم از حجاران بر روی جبهه شمالی ضلع شرقی آپادانا، جایی که ۲۴۲ کماندار کوچک و نگهبان و ۱۳۶ نیزه دار، مهتر و اشراف متوسط القامه وجود دارد، کار کرده‌اند، در هر تیم تعدادی حجار بوده است، لیکن روی هم رفته در هر تیم یک یا دو حجار سر نقش‌ها را حکاکی کرده‌اند. برای حکاکی این نما حداقل دوازده ماه وقت صرف شده است، ولی احتمالاً زمانی دو یا سه برابر آن برای این کار لازم بوده است.

برای دانلود کتاب نقوش تخت جمشید بر روی لینک زیر کلیک کنید



#### ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «سنگ تراشی ها و نقوش های تخت جمشید»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1925/pdf/سنگ-تراشی-ها-و-نقوش-های-تخت-جمشید.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹